



ارتجاع حاکم و حاکمیت اوین

برای خمینی که بیش از هر زمان دیگر حفظ حکومت خود را درگرو تشدید خنثی و خونریزی می دانست انتقال لاجوردی از اوین بسیار رنای خوشایند است، اما حکومت اوین نیز مثل دیگر حکومت های استبدادی و ارتجاعی، در برابر بحران های که گلویش را می فشرد در زیر تیغ نفرت شده ها، از یک سویر شمار جلادها پیش می آفراید و از سوی دیگر ناچار است فریبکاران و سرخیزان را به پس پرده ببرد.

علیرغم کشاکش های شدید درون هیأت حاکمه ارتجاعی همه دسته بندیها همانگونه که در رویا رویی با مردم بر مینامد، مشترک خودتکمی می کنند در پیگرد و شکنجه و کشتار انقلابیون و صیحن پرستان همدل و همدست اند. روحانیون حاکم در صدور فتاوی شکنجه و کشتار و فرزند ان گرامی خلیق هیچکدام از "امام" خود عقب نمی مانند. اما همفکران "عاقل" خمینی دریا افتند که با سید بیشتر برده پوشی کنند و سیاهی کرب و خوین حکومت خود را در جبهه اسلامی محکم تر مستور سازند تا به قول خود از "دافعه" بکاهند. اینان با همه دنا شاست و ولایت خود تا مدتی قهقندند که چگونه بوی تعفن حکومت شان در تمام مردم را می آزارد و از اینرو برای "حفظ آبروی حکومت اسلامی" بنیان کنی و استفاده ارتجاعی بیشتر فرشته تروشیوهای زیرکانه تر بیگرند و شکنجه و کشتار را پیشنها می کنند.

لاجوردی و شبکهاران همگروهی هر با رکه به قاضی رفتند و قاضی برگشتند. آنها برای اثبات "حقانیت" خود بالای سر شهیدان نقلی رسا و گویا از امامشان آویزان می کنند و فرزندهای شماری شمارگسور شهیدان از "امام" امضانشان دهند.

همدستان "عاقل" اینان در حالی که سینه می کوشند حرف خود را به نقل قولی متکی سازند و برای "استحکام" موقعیت خود گویشت انقلابیون را به دندان می جویند برای "حفظ حکومت اسلام" و "حرمت" امام "دعوت به" "هوشیاری" و "ملاطفت اندیشی" و "استفاده صحیح تر از وسایل" می کنند!

اما شعله های خشم و نفرت مردم را با تشدید خونریزی و با هیچیک از این "تدابیر" نمی توانستند خاموش کنند.

دستگاه سرکوب و ستم نمی تواند با رزات روبه رشد مردم و بحران درونی رژیم را مهار کند. بعکس در راستای گسترش جنبش و تشدید بحران حکومت نتوان این دستگاه کاهش می یا بدوش شیر شکنجه و خنثی کنی اثر نمی گردد.

توده های میلیونی که تجربه انقلاب بهمین رایش رو دارند و آماج دهنده نشانترین شکل بهره کشی و ستم هستند تسلیم سیاست زور و رعب رژیم نمی شوند. مردم فریب حرفها و القاب و عناوین سران جمهوری را نمی خورند. آنها دیگر "ولی فقیه" و "امیرمسند مستضعفان" را می شناسند. آنها همانطور که از سفره خود خبردارند از دستاورد های حاکمیت اسلامی هم خبر می یابند.

رژیم در برابر این مردم می کوشد تا یکبار چکی خود را حفظ کند. می کوشد تا همه دسته بندیهای حکومتی بر پایه منافع مشترکشان در مقابل مردم اختلافها را کنار بگذارد و با تضافدهای درونی حکومت فرمایشی نینستند. این تضافدها چشم و گوش برای متعابعت از "ولی فقیه" ندارند. این تضافدها ریشبه در واقعیت های عینی این رژیم دارند و سران جمهوری هم، علیرغم حرفهای خویش، همانطور که مواظبت اموال خود هستند از این تضافدها مواظبت می کنند و به دست خود آنها را رشد می دهند. چرا که ارتجاع به دست خود گور خود را می کند.

البت خمینی در برابر نفرت فزاینده توده های میلیونی از این همه جنایتها و خونریزی ناچار است به پنهان کاری و شیوه های حساب شده تیروری آورد. اینان همانطور که ناچار شدند تا سقوط مهره های سوختن ای چون توکل و عسکری ولادی باشند، بناچار سقوط لاجوردی از تخت حاکمیت اوین را نیز شاهد شدند. این میوه های گندیده و مسوم و زشت پیکار توده های فرمی افتند؛ ما نه از آن آزادیم و ارتجاع. ارتجاع آنها را در دامن خود پنهان می کند و پنهان می سازد. اما مثال لاجوردی اینبار حاکمیت اسلامی را محکم تر بر می کشد و از پشت پرده با انقلابیون مقاتله می کند. ما در مکه "امام" حاضر و ارتجاع با برجا و فتاوی "مقاتله" معتبر، جای جلاد نیست. محظوظ است.

شهادت قهرمانانه رفیق قربانعلی مؤذنی پور

عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تشکیلات اصفاهان و فارس را به کار بست. در ادبیهست ما ما مورین ردفیق را یافتند و این فرزند پاکباز خنثی خلق را به شهادت رساندند.

رژیم منصور پهلوی هم در خواب و خیال نا بودی سازمانها، فداییان بسیاری را به جوخه عدا مسپرد و یا در شکنجهگاه و در جریان شهادت های خیا بانی شهید کرد. اما سرانجام ما ما ندیم و حکومت پهلوی به زباله دان تاریخ پرتاب شد.

رژیم جمهوری اسلامی دمنشان ترا از اسلاف خود آرزوهای پهلوی ها و قاچارها را برای نا بودی جنبش انقلابی ما تعقیب می کند. اما حکومت خمینی نیز هرگز به این اهداف دست نخواهد یافت. با زهم ما خواهیم ماند. با زهم ما پیروزی شویم و با زهم جای ارتجاع در کنار اسلاف آن، در فرا مو شا نه تاریخ خواهد بود.

فداییان خلق از شهید کمیته مرکزی خویش برای نبرد هر چه قاطعتر علیه ارتجاع، علیه دشمنان مردم الهام می گیرند. رفیق قربان در قلب فدا یگان جاودانه زنده است. او در سنگرهای رزم کنار ما ست و همراه ما، همراه ما میلیونها مردم با خاسته ایران تا همدروز بخت با رگها ست. ما بودی ارتجاع حاکم و سرانجام آزادی میهن و پیروزی مردم خواهد بود.

جاودان بسا دو پرره روره او

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهادت حماسی رفیق قربانعلی مؤذنی پور
تجلی عزم و رزم انقلابی مردم علیه ارتجاع
در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
روز جهانی زن گرامی باد!
در صفحه ۲

بیم کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت ۱۹ بهمن
در صفحه ۳

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد) عضو مشاور کمیته مرکزی و دبیر کمیته های ایالتی فارس و اصفاهان به دست عمال شبکهار حکومت خمینی به شهادت رسید. رفیق قربانعلی مؤذنی پور از مسئولین قدیمی سازمان ما بود. فعالان جنبش او را به خوبی می شناختند.

دشمن هم او را خوب می شناخت. حکومت اوین و سرانجام او را در اختیار داشت. موقعیت او را می دانست. در شیراز و اصفاهان و در زادگاهش هر فدایی خلق را دستگیری کرد و او را می خواست. رفیق قربانعلی مؤذنی پور از رهبران سازمان ما بود و به همین جهت حکومت اوین، ما ننند با بر رفتن رهبری در بیدار نهال اومی کشت. برای دستیابی به او و همسر او را فرزندانش در قتل و کرب و محنت رساندند و دستگیری او را به رفیق قاتل رساندند. اما ما مورین با این روشهای فاشیستی دست درندیدند. رفیق قربان دست یابند. او و علیرغم پیگرد های شدید حکومت، در سخت ترین شرایط، تا دیر باز برای خنثی کردن ضربات حکومت علیه

"قانون" نابودی مطبوعات

۱۹ بهمن ۶۲، مجلس شورای اسلامی کلیات طرح "قانون مطبوعات" جمهوری اسلامی را به تصویب رساند. در تک مواد این قانون تلاشهای ارتجاعی و فاشیستی هیأت حاکمه علیه دمکراسی عیان و آشکار بیان شده است. هدف از این طرح آن است که سیاست رژیم را در لگدمال کردن آزادی مطبوعات قلم، بیان عقیده و استقرار سانسور شدید، که مدتهاست به مجوزهای شرعی آیت الهای مرتجع و بزرگوار نیسزه ارگانهای سرکوب باچرا در می آید، "قانونی" کند. تصویب این "قانون" بهیچوجه، به معنای آغاز یورش به مطبوعات آزاد و مترقی نیست. چرا که در رژیم جمهوری اسلامی آنچه وجود داشته، آزادی مطبوعات و بیان آزادانه نظرات، انتقادات و عقاید است. آنچه که موجود است و جمهوری اسلامی از جمله با آن معرفی می شود، دیکتاتور و استبداد در پیوش مذهب است.

مطابق این طرح ارتجاعی، خفقان حتی گریبان مطبوعات حکومتی و شرکای ناراضی هیأت حاکمه را نیز خواهد گرفت. یکی از نمایندگان مجلس حکومتی بقیه در صفحه ۳

تلاش زبونانه رژیم برای احیاء نظام ارباب و رعیتی

پیرامون لایحه "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی"

فعالیت کند و دولت موظف است با فراهم آوردن شرایط مناسبی از قبیل فروش یا اجاره ابزار تولید و ماشین آلات مشابه و دیگر تجهیزات مورد نیاز و عرضه کردن خدمات و تسهیلات دولتی به کارگاههای تولیدی و بخشهای خصوصی. ... از سر ما به داران حمایت نمایی (اطلاعات - ۶۲/۱۰/۲۵). وظایفی که این لایحه به دولت و بخش دولتی محول کرده است، دولت و بخش دولتی را به هم تنگ کنند و رابطه بخش خصوصی با سرمایه های امپریالیستی و در واقع به یک زوا مل موثر گسترش و تعمیق وابستگی اقتصاد به کشورهای امپریالیستی مبدل خواهد ساخت. بدین ترتیب سرمداران رژیم علنا قانون اساسی خود را که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی مبتنی بر بخشهای سه گانه دولتی، تعاونی و خصوصی تعریف کرده است و بخش خصوصی را بعنوان مکمل دولت و بخش دیگر معین ساخته است به کناری انداخته اند.

جنبش نظام اقتصادی که چاکران جمهوری اسلامی برای استقرار آن می کوشند، رندها هنگ بخشهای اقتصادی گوناگون را تخریب می کند. وابستگی اقتصاد دکتور بسسه امپریالیستیها را تا دم می دهد، نابرابری در توزیع درآمد و در نتیجه فقر و محرومیت را افزایش می دهد، همه شروتهای جامعه را در دست تعداد معدودی سرمایه دار بزرگ متمرکز می سازد و کارگران و رنجبران را به تنگنایس شدید و بدوی مورد استعمار قرار می دهد. بقیه در صفحه ۶

سازمانها پس از سال وعده و صحبت از "عدالت اسلامی" و "اقتصاد توحدی" مجلس کلیات لایحه. فعالیت ارتجاعی "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" را به تصویب رساند و به روشی نظام اقتصادی مورد نظر سرمداران رژیم جمهوری اسلامی را عیان ساخت.

این لایحه نه تنها تمام و کمال تا مین کشنده منافع کلان سرمایه داران و خاندانها و فئودالهاست، بلکه سرمایه داران و خاندانها تا مین منافع این کارگران بود و بطور آشکاری خواهد ساخت و مناسبات اجتماعی را متناسب با خواست بزرگ مالکان بسیار به عقب برگرداند. این لایحه دریندند از نمایانگر "اصولی" بقاییت فئودالی و بسا ربدوی ارتجاعی است.

فصل اول لایحه مورد بحث که به "فعالیت تولیدی بخش خصوصی در صنعت" اختصاص یافته است، بخش خصوصی را به بخش کلیدی در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی و دولت را به کارگزاران آن مبدل ساخته است. در این قسمت تا کید شده است که بخش خصوصی مجاز است بدون هیچ محدودیتی در تمام صنایع

ضرورت و فوریت اتحاد
در صفحه ۴

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

روز جهانی زن گوامی باد!

بیم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت ۱۹ بهمن

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران به نام پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهاردهمین سالگرد تأسیس سازمان رزمنده شما را صمیمانه تبریک می گوید و برای شما همه اعضا و هواداران پیگرا رگزان در تبریک و افتخار آرزوی موفقیتها و بازهم پیشتری می کند.

رفقا! یک سال دیگر رساله های کا روپیکا رسا زمان برافتار شما که در کوره مبارزات پیچیده و دشوار بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آبدیده تر شده است، افزوده شد، سالی که عیار و ولایت انقلابی سازمان شما را در مبارزه پرشور و عادلانه اش بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بیش از پیش نمایان ساخت.

شعبه دوحوات شومی که بهار اده امیرالیسم و ارتجاع برپیکر انقلاب شکوهمند فدا میریالیستی، ضد دیکتاتور و مردمی میهن ما زخمها و جراحات عمیق نشاند، نشو و نما بر اده استوار سازمان رزمنده شاملطمه ای وارد اده.

هدف یورش سبانه امیرالیسم و ارتجاع و اماننده قرون وسطایی بر حزب توده ایران - حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایران و سازمان برادر - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، ما نمانده میهن ما بودی سنگر اصلی و خاکریز اول دفاع از انقلاب، دفاع از استقلال و آزادی میهن و دفاع از حقوق اجتماعی زحمتکشان میهن ما و برقراری استبداد در پویشی مذهب برای حفظ و حراست رژیم استعمار ربی بندوبار توده های زحمتکش بوده است.

این وابستگی دهشتناک به سوی تاریکی و ظلمات استبداد قرون وسطایی برای سازمانهای ما، برای میهن انقلابی ما، برای زحمتکش رزمنده آن، برای دیگر نیروهای مترقی و دموکرات وطن ما، چیزی بیشتر از رویای خام و افشانه مصلحتی خیر از سیر واقعی تاریخ و خاستن به منافع ملی و مردمی ما، نبوده و نیست که محکوم به فنا و نابودیست. مقاومت و رزم دلیرانه شما که دوشادوش حزب توده ایران در شرایط دشوار برای هر دوسا زمان ما علیه امیرالیسم و ارتجاع انجام شده می شود به نتایج فاقونمند خود در راستای افشاء ماهیت ضد ملی، ضد دموکراتیک رژیم حاکم پرکوشور، بیسج توده های زحمتکش به شبرد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و بالاخره ایجاد اهرم حیاتی و تعیین کننده جبهه متحد خلق ازمه نیروهای فدا میریالیست، مترقی و دموکرات که تنها راه برون رفت از بحرانیهای همه جانبه و نجات انقلاب است، نزدیک می شود.

ما، با بدیگریا لروژ تولدسا زمان برادر تاریک می گویم و در این پیگرا رظقی و نهایی به خاطر نجات انقلاب، برای شما دوستان همزرم و کوفنا داره آرمانهای والای خلقهای میهن دربندسا آرزوی موفقیت می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۹ بهمن ۱۳۶۳

کشتار انقلابیون بی پاسخ نمی ماند

گزارشهای رسیده حاکی از آن است که عده دیگری از انقلابیون آزادیان و مجاهدین و اعضا دیگر سازمانهای انقلابی در زندانهای رژیم خمینی اعدام شدند. در میان این شهدا چهره های سرشناسی وجود دارد. اسامی فرستوده زکادها و چریکهای فدایی و عیداله آفری و حسین قاضی که خمینی شهدا دستان در شریبه "راه کارگر" انتشار یافته است، در میان این شهدا است. این شهیدان از قهرمانان مبارزه و مقاومت درسیا هجالی رژیم شاه بوده اند. آنان که بیست دست مردم باخاسته مان از زندانها آزاد کردند، همچنان با اندیشه پیروزی زحمتکش مبارزه در راه مردم را پی گرفتند. عمل رژیم این فرزندان انقلابی خلق اردزانه نبوده و بس از ما همسا شکنجه های وحشیانه مخفیانه اعدام کردند. حکومت اسلامی که گوی سبقت را از فاشیستی ترین رژیمها رسوده است، نه تنها چون همیشه جراثیم رگزاری محاکمه علنی انقلابیون را ندارد، بلکه همچنان از اعلام خبر اعدام آنان نیز هراس دارد.

شکنجه و کشتار انقلابیون بی پاسخ نمی ماندند. ارتجاع فقط با مرگ خود می تواند تاوان پس دهد.

طرحهای رژیم برای بیرون راندن زنان از محیطهای فعالیت تولیدی و اجتماعی را خنثی کرده با موانع جدی روبه روستا خسته است. مخالفت و اعتراض عمومی زنان علیه غوغای چادروقتی و عیبهای سیاسی و اجتماعی، در راه تامین حقوق برابر زنان مسا مردان است. در این مبارزه زنان ایران همواره جایی شایسته و افتخارآمیز داشته اند. اینک زنان میهن ما در دشوارترین شرایط و سخت بی سابقه ترین شتم و سرکوب و تحقیر و توهین قرار دارند. حکام مرتجع جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین سیاستها و قوانین را در تفریق و تبعیض علیه زنان و با جراد آورده است و این علاوه بر همه فشارهای سخت و جانفرسای است که سیاستهای فدرمدمی حکومت با ادا مه جنگ و تشدید روزافزون تر و درواختن و لغارت و استثمای بر زندگی عموم مردم وارد می آورد.

ارتجاع زنان میهن ما را از بسیاری امکانات آموزشی، از حق کار و از فعالیتها و اجتماعات و فرهنگی محروم کرده است. این اقدامات ارتجاعی و انواع تضییقاتی نظیر تحمیل چادرو و بند و روسری و تبعیضهای جنون آمیز علیه زنان به پهنانه "حجاب"، به همین منظور انجام می شود تا بلکه زنان ایران را چون کنیزان و زنان حرم سرا در چرخه دیواری خانه و آشپزخانه محصور و سیرازند، قوا نیسند و احکام ارتجاعی به اجرا آورده، تا برای زن با مرد را به رسمیت می شناسد و حقوق زن را در خانواده جامعه نفی می کند. رژیم با ترویج شیوه منسوخ و منحط چند همسری و ازدواجی موقت، شدیدترین آهانت و ستم را بر زنان روا داشته و بیساری از خانواده را متلاشی کرده است.

انکار بست و پوسیده رسد ما را از جمهوری اسلامی بشیرمانه برای زنان تنها نیسی از شعور، شخصیت و اعتبار انسانی را قابل است. در این افکار چیرزی جزیی عدالتی فاحش و آشکار در حق زنان و حتی دشمنی با موجودیت انسانی آنان نیست. زندانها، شکنجه ها و میدانهای اعدام جمهوری اسلامی با رزترین گواهد در دنک جنایات بی شمار رژیم علیه هزاران زن و دختران انقلابی و مبارز میهن ما است.

علیرغم ددمنشی هیات حاکمه مرتجع جنبش زنان ایران بعنوان جزء تفکیکنا پذیر جنبش دموکراتیک و همگانی مردم ایران علیه ارتجاع حاکم می رزمند و با کمهای امید آفرین به پیش می روند. ایستادگی و مبارزه زنان بسیاری از نوطه ها و

را و اده به تسلیم کنند. بسیاری از خانواده های توده ای - پدر و مادر و فرزند - که با هم در سلولهای تنگ و تاریک نگهداری می شوند، در نتیجه بستن چشمهای زندانیان با چشمبندهای مخصوص به مدت شش ماه تا یک سال تعداد افرادی که بیای خود را از دست می دهند رو به فزونی است. نبود بهداشت و درمان و تغذیه ناسالم موجب شیوع انواع امراض ریوی و پوستی میان زندانیان شده است. تعداد کشته شدگان زیر شکنجه بیسجور بیسابقه های افزایش می یابد. زندانهای ایران از زندانیان سیاسی انباشته شده است. ارگانهای سرکوبگر شب و روز در همه جا در پی شکنجها و عقیدتی رژیمند. موج بازداشتها در میان کارگران، دانشجویان و روشنفکران دوباره آغاز شده است. توده ایهای دربند و دیگر میهن پرستان در شکنجه گاههای "اوین"، "اتاقهای تمشیت" و دیگر مراکز مخفی ارگانهای اطلاعاتی به وحشیانه ترین شکل عذاب فنی بینند و تحقیر می شوند. برای چه؟ برای خواست آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح و وظیفه همه ما است که در باره این سرآزان رهایی خلق بیندیشیم و از هر راه که می توانیم به یاری آنان بشتابیم.

همینک با زندانیان سیاسی و مبارزه در راه آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان، وظیفه مقدس هر انسان شرافتمند و بشردوست در ایران و در سراسر جهان است. فقط با مبارزه پیگیر است که می توان هزاران مبارز راه رها نیسی توده های محروم را از مرگ حتمی نجات داد.

ما از همه بشردوستان آزاده در ایران و خارج از ایران، از همه سازمانهای مترقی می خواهیم تا صدای اعتراض خود را علیه جنایات نوبتی هولناکی که در سیاهالی رژیم در شرف تکوین است بلند کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۳ بهمن ۱۳۶۳

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز زن را به همه زنان ایران صمیمانه تبریک می گوید. روز ۱۷ اسفند تجلی شادباش می گوید. سراسر جهان در راه صلح، دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی، در راه تامین حقوق برابر زنان مسا مردان است. در این مبارزه زنان ایران همواره جایی شایسته و افتخارآمیز داشته اند. اینک زنان میهن ما در دشوارترین شرایط و سخت بی سابقه ترین شتم و سرکوب و تحقیر و توهین قرار دارند. حکام مرتجع جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین سیاستها و قوانین را در تفریق و تبعیض علیه زنان و با جراد آورده است و این علاوه بر همه فشارهای سخت و جانفرسای است که سیاستهای فدرمدمی حکومت با ادا مه جنگ و تشدید روزافزون تر و درواختن و لغارت و استثمای بر زندگی عموم مردم وارد می آورد.

ارتجاع زنان میهن ما را از بسیاری امکانات آموزشی، از حق کار و از فعالیتها و اجتماعات و فرهنگی محروم کرده است. این اقدامات ارتجاعی و انواع تضییقاتی نظیر تحمیل چادرو و بند و روسری و تبعیضهای جنون آمیز علیه زنان به پهنانه "حجاب"، به همین منظور انجام می شود تا بلکه زنان ایران را چون کنیزان و زنان حرم سرا در چرخه دیواری خانه و آشپزخانه محصور و سیرازند، قوا نیسند و احکام ارتجاعی به اجرا آورده، تا برای زن با مرد را به رسمیت می شناسد و حقوق زن را در خانواده جامعه نفی می کند. رژیم با ترویج شیوه منسوخ و منحط چند همسری و ازدواجی موقت، شدیدترین آهانت و ستم را بر زنان روا داشته و بیساری از خانواده را متلاشی کرده است.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیر رسیده از زندانهای ایران بگرانی آور است. رژیم که تا کنون با زیر پا گذاشتن اصول قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، با وضع قوانین قرون وسطایی که با مفاد اعلامیه حقوق بشر و موازین مورد پذیرش جوامع مترقی مغایرت دارد و علیه آزادی عقیده و اندیشه سرهم بندی شده، سراسر کشور را به زندان تبدیل کرده و کویچکترین صدای مخالف و کمترین اعتراض زحمتکشان به اقدامات غیرقانونی و شیوه های ترور و اختناق را با شکنجه، زندان، اعدام و سر به نیست کردن پاسخ می دهد، نوطه جنایتکارانه جدیدی را تارک می بیند.

سخن بر سر ادا مه شکنجه های غیرانسانی برای وارد آوردن فشار به توده ایهای دربند است تا به اتهامات بی پایه و اساس حکام مرتجع "داوطلبانه" صحه بگذارند. شکنجه زندانیان سیاسی با تکامل یافته ترین ابزار و آلات، مانند شوک الکتریکی و دستگاه "آبولو" امری است متداول. انسانها! سرودست می شکنید و زنده زنده، روی اجاقهای سرخ شده الکتریکی می نشاند. بهره گیری از انسولاج داروهای مخدر و روانگردانی طبق اخبار موثق رسیده از زندان به قصد اخذ اعتراف با شدت بیشتری آغاز شده است. تعداد توده ایهایی که تحت تاثیر آنگونه داروهای دچار بیماری های روانی شده و به تیمارستانها انتقال می یابند، رو به فزونی است.

زندانها توده ای در سخت ترین شرایط، نگهداری می شوند. آنان در "کمیته"، "اوین"، "قزل حصار" و غیره با عذایها با نگاه رویبرو هستند. نه زنان و نه خانواده های متهمین از تعقیب و زندان و شکنجه مصون نیستند. بستگان نزدیک و متهم را پیش چشم آزار می دهند تا او

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور تجلی عزم و رزم انقلابی مردم علیه ارتجاع

هم میهنان گرامی! رفقا و همزمانان! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تأسف و تألم عمیق شهادت حماسه آفرینی رفیق قربانعلی مؤذنی پور غفور و شاکتیه مرکزی و مسئول کمیته های ایالتی فارس و مازندران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به اطلاع می رساند.

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد) به دلیل اطلاع قبلی رهبران حکومت از کارنامة انقلابی و موقعیت سازمانی وی همچون دیگر اعضای رهبری سازمان ما از مدت ها پیش شدیداً تحت پیگرد قرار داشت. ما مورین انقلاب پس از تظاهرات بسیار در قزوین و تبریز و سایر نقاط ایران فرزندند و کار خلاق را به شهادت رساندند. بدین گونه دشمنان مردم، در زمین بیخورد و زبونی که برانندند درخت بی برگ و ریشه و از پیش مرده هستی خود را با خون جوانان وطن سیراب کنند و با دیدگر در برابر عزم و رزم ما به ستوه آمدند و خواهرشند و خاک گور خود را به سیمای اهریمنی خویش پاشیدند.

رفیق قربانعلی مؤذنی پور، سیمای تابناکی از فرزندان انقلابی و ایثارگر مردم رنج کشیده میهن ما بود. سال زندگی وی آکنده بود از رنج توده های میلیونی رنجور و بیگانه برای آزادی و بهروزی آنان. هم میهنان گرامی!

رفیق قربانعلی مؤذنی پور نه نخستین شهید کمیته مرکزی سازمان ماست و نه آخرین آن. پیش از این، در رژیم سرسپرده شاه، چهار بار، در سالهای ۴۹، ۵۰، ۵۱ و ۵۲ رهبری فدائیان خلق آماج حمله ترارگرفت و هر بار تمام یا بخش اعظم رهبران سازمان ما در جریان حمله و یا زیر شکنجه و یا در برابر جرح و اعدام به شهادت رسیدند. ما همه این ضربات ناجعه آمیز را پشت سر گذاشتیم و هر بار نیرومندتر از گذشته مبارزه انقلابی را ادامه دادیم. سرانجام ما زمان ما ماند و گسترش یافت و به اوج قدرت و استحکام خود رسید. اما رژیم شاه در تنگ و نفرت مرد.

امروز حکومت جمهوری اسلامی با ارتکاب جنایاتی در منتهای ترس و سرنوشتی تاریک تر از رژیم محمدرضا شاه را انتظاری می کشد. مرتجعین حاکم قصد دارند با شدید هر چه بیشتر حکومت ترور و خفقان، با پیگرد سراسری، با زده شدن خانه به خانه و شکنجه و کشتار بی امان فرزندان انقلابی مردم پایه های لرزان حکومت خود را استوار کنند. حکومت آیت الله خمینی با این تلافی های شیکارانه قلمه در جنبش انقلابی را نابود کند و مبارزه کارگران، دهقانان، کارمندان،

جنايات رژيم عليه انقلابيون را محكوم ميکنيم

مطابق اطلاعیه مورخ ۲۳ بهمن روابط عمومی وزارت اطلاعات وزارت رژیم، جنايات تازه ای علیه انقلابیون کشور مرتکب شدند. مطابق این اطلاعیه، ادعا شده است که ارگانهای سرکوب رژیم اخیراً عده ای از فعالین گروهی را که ۳ سال پیش از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انشعبا کرده اند (گروه کشتگر) مورد هجوم و بازداشت قرار داده اند. اطلاعیه همچنین مدعی شده است که رژیم حدود ۲۰ نفر از مجاهدین خلق را نیز در شهرهای مختلف دستگیر کرده و با به شهادت رسانیده است. هدف وزارت اطلاعات ارتجاع حاکم از انتشار خبر این جنایات و اقدامات مذکور آن است که حول آن جنایات تبلیغاتی براه اندازد و شکستهای مکرر قطعی خود را در شکنج تکیلات و ایستادگی انقلابیون پنهان نگه دارد. بیگانه های سخن پراکنی امپریالیستی نیز این تبلیغات را با آب و تاب انعکاس دادند. رژیم مدتها تلاش کرد تا این فکر را به مردم القا کند که گویا قدر قدرت است و کسی را زاری ایستادگی و مقاومت در برابر آن نیست. اما توده های مردم ما زمان انقلابی این لافها را با گسترش مقاومت و مبارزه خود علیه هیات حاکمه مرتجع پاسخ دادند. امروز نیز با اطمینان باید گفت که این تبلیغات و جنایات رژیم هرگز اثر از شکستهای تازه نجات نخواهد داد.

ما این جنایات رژیم را محکوم می کنیم و برای شکست تلافی های سرکوبگرانه آن، از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد. ما بار دیگر اعلام می کنیم که راه نجات میهن از جنگل استبداد و استعمار دیکتاتوری در کشور، با بیان دادن به حاکمیت ارتجاع بر کشور است. تنها با همکاري و اتحاد عمل همه نیروهای ملی و دلاکراتیک ایران در پیچه واحداست که حاکمیت ننگین ارتجاع سریعتر با این می باد و راه برای استقرار مملود مکرسی در کشور و تاسیس استقلال ملی و عدالت اجتماعی هموارتر می شود.

بیشهوران، زنان و اقلیت های مذهبی را به زور شکنجه و اعدام خاموش سازد. تاریخ کشور ما و تجربه رژیم متفورشاه ثابت کرده است که این تلافی ها سرانجام می برند و نتایج نادرند. برای مردم ما مانند روز روشن است که مرتجعین خون آشام حاکم هر چه بیشتر خون بریزند و مردم را سرکوب کنند، سرنوشتی شوم تر برای خود رقم می زنند. آنها به دست خود گور خور می کنند.

هم میهنان گرامی! کارگران، دهقانان، همه رنجبران ایران! در هم شکستن ترور و خفقان، قطع پیگرد و شکنجه و کشتار فرزندان انقلابی شما، تا عین آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی و سرانجام آزادی میهن و بهروزی مردم درگروا نخواهد شد. ما با همکاري و هر چه قاطعتر شما علیه ارتجاع حاکم است. با الهام از شهیدان حماسه ساز خلق، با اتحاد عزم و رزم انقلابی خویش کوره های جنگ مردم کشتی را خاموش کنیم. شعله های انقلاب را فرزان تر سازیم و هر چه توفنده تر بر بنیاد دست پنازی شهیدان ما با همین آژان رانشیدند و ما همین گونه شهادت مقدس آنان را راج می نهیم. رفیق قربانعلی مؤذنی پور با شهادت حماسی خود بر توطئه های ارتجاع حاکم برای تیره کردن سیمای انقلابیون ضربتی مرگبار فرود آورد. اکنون سیمای انقلابیون ضربه مرگبار جمهوری اسلامی، در برابر خورشید فرزان روزگار و پایداری و جاننازی انقلابیون چنان تیره و تبا شده است که دیده نمی بیند و نفرت بیشتر مردم را نسبت به خود برمی انگیزد.

فدائیان، توده ایها و هزاران انقلابی در سراسر کشور، پرچم رزم انقلابی رفیق قربانعلی مؤذنی پور را برافراشته اند. فدائیان خلق، در میدانهای رزم انقلابی میثاق خویش را با شهید کمیته مرکزی خود تجدید می کنند. شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور و صدها تن دیگر از رهبران و رزمندگان فدایی نشان شورا انگیز میثاق فدائیان با خلق ایران است.

جاودان باد میثاق فدائیان با خلق.

برافراشته باد پرچم رزم انقلابی رفیق شهید قربانعلی مؤذنی پور.

جاودان باد و بر هر روزه او

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بهمن ماه ۱۳۶۳

"قانون" نابودی مطبوعات

بقیه از صفحه ۳ گفت که اگر این طرح تصویب شود دیگر کسی نمی تواند چیزی بنویسد و بر مطبوعات حکومتی نیز لجام زده می شود.

در تنگ موا دوینده های این قانون سیاست سرکوب فاشیستی آزادیهای سیاسی توسط هیات حاکمه دیده می شود. سران رژیم در این طرح حتی تیغ سانسور را علیه مطبوعات خودی و شلاق وزندان را علیه شوکای خودیگرا می اندازند. مطابق این قانون ارتجاعی، مطبوعات حکومتی از نقد مطالب جز مطابق متافع سران رژیم منع شده اند. انتقاد، هروع انتقادی به مسئولان رژیم به بهانه هائنت جرم شناخته شده است. هر نویسنده ای جز به دلخواه هیات حاکمه بنویسد، به بهانه عدم صداقت شمول دادگاه می شود. "قانون" آشکارویی پرده مجازات برخی از مطالب جرایم انتقاد دگشتگان را شکنجه قرون وسطایی، یعنی شلاق تعیین کرده است. "قانون" آنچه را مطابق متافع کلان سرمایه داران و بسزرگ مالکان و مدافعان استبداد فقیه نباشد، به بهانه استهوان و لیسو و تجمل پرستی با فرهنگ و هنر ملی می ستیزد و علم را خور می خورد. این طرح بار دیگر نشان می دهد که هیات حاکمه مرتجع به ناسودی فرهنگ و هنر ملی گمر بسته است.

فصل دوم این قانون رسالت مطبوعات را دادن "خط فکری" به مردم تعیین کرده و فصل سوم آن، حدود مطبوعات را مشخص کرده است. معنای واقعی این حدود و ادعا این است که مطبوعات قابل انتشار فقط ابزار هیات حاکمه در حفظ حاکمیت کسب و کار سرمایه داران و بسزرگ مالکان و توجیه تصمیمات مذهبی و عقیدتی به جا مع و رنگ و لعاب زدن به سه چهره استبداد مذهبی است. تصویب کلیات این قانون ارتجاعی در مجلس بار دیگر نشان می دهد که همه دسته بندیهای درون دستگاه، تا چه اندازه از طرح هر گونه انتقاد خیا نتها و جنایات رژیم در مطبوعات و درجا معبه وحشت دارند و تا چه اندازه در سرکوب هر حرکت آزادی اندیشانه ای احساسات مشترک نشان می دهند و متفق القولند.

مختصری از زندگی نامه

رفیق قربانعلی مؤذنی پور

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد)، عضو مشا و رگمیته مرکزی و دبیر کمیته های ایالتی فارس و مازندران در یک خانواده سمنانی دیده به جهان گشود. از همان دوران نوجوانی دشواریهای زندگی و زندگی دشوار خانواده او را رنج می داد. در دوران دبیرستان این مبارتها با درک زندگی رنج بسیار مردم پیرامون درآمیختند. رفیق قربان در دوران دبیرستان به مطالعه روی آورد.

وقتی وارد دانشگاه صنعتی تهران شد، فقط ۱۹ سال داشت. اما همان هنگام هم پیوسته نمود. محیط پرتحرک و مبارز دانشگاه به او امکان داد تا دقیق تر بیندیشد و چشم انداز را بهتر تمیز دهد. هر چه بهتر می دید، در مبارزه علیه رژیم شاه ساختار می شد. هنوز مدت کوتاهی از ورود او به دانشگاه نگذشت، بود که فداکاران سازمان با کشف روحیه بیگانه و موم و انقلابی وی او را به سازمان معرفی نمودند و رفیق پس از یک دوره کوتاه در سال ۵۳ به عضویت سازمان درآمد.

از آن زمان رفیق شهید قربانعلی مؤذنی پور مرحله تازه ای از زندگی مبارزاتی خود را آغاز کرد. وظایف سازمانی که از سوی مسئولان رفیق شهید بهمن روحی اشنگران به سوی محول می شد با کمال مسئولیت و شجاری انجام می داد. هنوز یک سال از فعالیت او در سازمان سپری نشده بود که در ۲۵ تیر ماه ۵۴ به دست ماورین ساواک دستگیر و در اوین زندانی شد.

جلادان اوین وحشیانه او را به زیر شکنجه کشیدند. آنچنان شکنجه کردند که آثار روحی گری آنها تا آخرین روزهای زندگی رفیق دردهای او بر جای مانده بود. او را یک سال در سلول انفرادی، جدا از دیگران، زیر شکنجه نگه داشتند. تا اینکه اطلاعات سازمانی وی دست یابند. اما رفیق قربانعلی محکم ایستاد، شکنجه های وحشیانه ساواک را تحمل کرد و سراسر سازمانی خود را حفظ نمود. سرانجام سفیدکاری معذور در برابر اراکه او تسلیم شد و به درامندگی خود اعتنا فرمود. ساواک رفیق را بعنوان سر مشاست و متعصب به بدادگاه معرفی کرد و اعدام مشاست و تقاضا کرد. رفیق در بدادگاه با قدرت از اندیشه و عمل خود با زمانش دفاع نمود و اتهامات ساواک را یک به یک رد کرد. بدادگاه او را به اعدام و ۱۵ سال زندان محکوم کرد، اما در بدادگاه دوم به زندان ابد محکوم گردید. رفیق در تمام دوره زندان، در مبارزات زندانیان سیاسی قهرمانی جدی داشت.

او از رهبران اعصاب غذای یک ماه زندانیان قصر در سال ۵۷ بود. در آموزش و در ارتقای روحیه دیگران روحی زندانیان و در استحکام مقاومت زندانیان شیان روز تلاش می کرد. برای این کار شهید و شکنجه می شد، اما به راه خود ادامه می داد. سرانجام با گشایش درهای زندان قصر به دست توانای مردم قیام کننده میهن دردی ماه ۵۷ از زندان آزاد شد. پس از آزادی، بلافاصله کار انقلابی خود را در سازمان ادامه داد و برای احیای تشکیلات سازمان در شهران کوشید. او در این زمینه نقش مؤثر داشت. رفیق قربانعلی پس از انجام وظیفه در چند پست سازمانی مهم دیگر دبیر کمیته ایالتی فارس شد و در سال ۶۲ کمیته ایالتی مازندران نیز تحت مسئولیت وی قرار گرفت.

به پاس لیاقت و شایستگی رفیق قربانعلی، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پلن سوم ۲۷ خرداد ۶۱ او را به مقام عضو و معاون کمیته مرکزی ارتقا داد. مدتی پس از آن هیات سیاسی کمیته مرکزی تصمیم گرفت، بنا بر بیگاری، بیگانه ساز ایثارگران و دلیرانه و نقش بسیار مؤثر رفیق در هدایت سازمانی ایالتی فارس و مازندران، او را برای عضویت کمیته مرکزی به پلنوم آتی کمیته مرکزی سازمان معرفی کند. اما به دلیل شرایط دشوار کشور و برگزاری پلنوم در موقع مقرر ممکن نشد. اما رفیق قربانعلی هم مسئولیتیایی را که می بایست به عهده بگیرد به عهده گرفت و در سنگر رهبری سازمان دلیرانه جنگید و خود را تا ته به شهادت رسانید.

تصویب قانون ارتجاعی

مجلس شورای اسلامی با وارد کردن اطلاعاتی در ماده ۱، با اصلاح تبصره ۲ از ماده ۲۵ و با آوردن یک تبصره بر ماده ۲۸ که به موجب آن اخراج کارگر عضو شورای موسسات دولتی قبل از صدور رأی دادگاه مربوطه بلامانع می شود، این "قانون" را در جهت نظارت شورای نگهبان اصلاح و تصویب رسانید. "قانون" تشکیل شورای اسلامی کار" ارتجاعی و ضد کارگری است. کارگران با یدما هیات ارتجاعی و تحمیل این قانون توسط دولت با بیست و دو رأی جاری آن شوند. کارگران باید دست به دست هم دهند، متحد شوند، مبارزه کنند تا عناصر ارتجاعی را از شواها متعصب کنند. کارگران باید در راه تشکیل سندیکا و تشکیلاتی مستقل کارگری مبارزه را تشدید کنند.

بودجه ۶۴: ورشکستگی اقتصاد، محرومیت توده‌ها

موسوی نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ را در روز هفتم آذرماه به مجلس شورای اراده داد. دو سخنان مرسوم در توضیح خصوصیات آن ایراد نموده، جمعی که بودجه عمومی پیشنهادی دولت ۲۸۶۸/۷ میلیارد ریال و کل درآمد ماهی ۲۵۷۰ میلیارد ریال و کسری بودجه ۳۹۲/۵ میلیارد ریال باشد.

بودجه هر کشور آئینهای ارزیابی اقتصادی حاکم بر آن می باشد. با نگاهی به لایحه بودجه سالهای گذشته و عملکرد آنها و بررسی بودجه سال ۶۴ می توان تا بلوی را تصویر نمود و واقعیت عزبان افلاک و ورشکستگی رژیم و تشدید دوگانه زندگی مردم را در آن دید.

نخست وزیر در گزارش خود به مجلس می گوید: "... جامعه در مسیری به نسبت مطلوب، به سوی رشد و توسعه گام برمی دارد" و برای اثبات این ادعای بیوج به رشد تولید ناخالص ملی به میزان ۱۵/۲ درصد در سال ۶۱ اشاره می کند. نخست وزیر برای این واقعیت سرپوش می گذارد که رشد تولید ناخالص ملی بطور عمده ناشی از رشد تولیدات صنعتی نبوده، بلکه افزایش صادرات و تزریق پول در آن می باشد. رشد تولید ناخالص ملی در سال ۶۱، حدود ۲۰/۵ درصد کمتر از سال ۵۶ و تقریباً به میزان سال ۵۳ می باشد. افت تولید ناخالص ملی ایجاب می کند که گسترش تولیدات داخلی و سرمایه گذاری در زمینه صنایع و کشاورزی در سرلوحه بودجه قرار گیرد تا مردم را از فلاکت مردن همچنان برتر و در جهت ویرانگریهای می فشارند و دسترنج زحمتکاران و ثروت ملی را به خدمت جنگ می گیرند. در لایحه بودجه سال ۶۴، همچون سالهای گذشته، اداره امور جنگ در این فعالیتها دولت قرار گرفته و از اولویت کامل برخوردار گردیده است" (از گزارش نخست وزیر به مجلس).

علاوه بر حکام مرتجع برای بقاء حاکمیت خود مبالغ کلانی را برای سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و هزینه ارکانهای سرکوب در بودجه منظور کرده اند.

در بودجه پیشنهادی نخست وزیر مبلغ ۱۱۸۵/۵ میلیارد ریال به هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ نامن برانداختن یا یافته است. این رقم آرایه شده به مراتب کمتر از رقم واقعی هزینه های جنگ است. بخش قابل توجهی از بودجه وزارتخانه ها و نهادهای گوناگون کشور بعنوان "مقدمه سرین" و "طبقه بندی" رنجیده می شود. موسوی اعتراف می کند که هزینه جنگ در بودجه سال ۶۳ بیش از ۴۳ درصد از بودجه را به خود اختصاص داده است. اگر سایر هزینه های که توسط جاسا زندگی و اسناد آریها و وزارتخانه ها در رابطه با مسائل دفاعی صرف می شود را نیز به این ارقام اضافه کنیم، سهم بودجه دفاعی از بودجه کل بودجه سال جاری به مراتب بیشتر خواهد بود" (اطلاعات - ۱۵ مرداد ۶۳). نخست وزیر رژیم در گزارش خود به مجلس، هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ را در سالهای ۶۲، ۶۳ و ۶۴

سال	۵۹	۶۲	۶۳
هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ (بیلیون ریال)	۶۴۱/۶	۱۲۱۱	۱۳۰۳/۶

این ارقام نشان می دهد با وجود دفع تجاوز رژیم صدام در سال ۶۱، سرمداران حکومت برای گسترش جنگ ارتجاعی و توسعه طلبانه، سال به سال بر میزان هزینه های سرمایه و آن افزوده اند. همبریان رژیم برای تامین هزینه های جنگ و نفوذ را تاراج می کنند و با قیمت ارزان در بازارهای بین المللی می فروشند، از هزینه های عمومی و رفاهی می کاهدند، مالیاتها را به زیان زحمتکاران افزایش می دهند، کارهای عمرانی را تعطیل و یا به حداقل می رسانند و برای تامین کسری بودجه ناشی از هزینه های جنگ به استقراض از سیستم بانکی روی می آورند.

نخست وزیر اعلام می کند که توانسته است کسری بودجه سال ۶۴ را به ۳۹۴/۵ میلیارد ریال محدود کند. اما در سالهای قبل روشن گردید که کسری بودجه به مراتب بیشتر از ارقام اعلام شده می باشد.

موسوی کسری بودجه سال ۶۳ را ۳۱۲/۲ میلیارد اعلام کرد ولی در مذاکرات مجلس مشخص گردید که کسری بودجه حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال باشد (کیهان - ۱۵ اسفند ۶۲). دولت برای تامین کسری بودجه هر سال به استقراض سیستم بانکی که همان جابجاسکاس بدون پشتوانه می باشد متوسل می گردد. "جسیم اسکاس" زیاد شده پس از یک سری فعل و انفعالات اقتصادی از دست دولت خارج شده، به جیب بخش خصوصی می ریزد... در لایحه سال ۶۳ با توجه به تبصره ها و تعدلات حدود یک هزار میلیارد ریال

کسری بودجه وجود دارد. با کسری بودجه در واقع بدهی دولت سال به سال زیادتر می شود و تقریباً به همان میزان به نقدینگی بخش خصوصی افزوده می شود" (مصطفی تبریزی - نماینده سابق مجلس شورا - کیهان ۲۰ بهمن ۶۲). کسری بودجه از سال ۵۷ (۵۵۸/۵ میلیارد ریال) تا ۶۳ (۱۰۰۰ میلیارد ریال) در برآورد شده و میزان نقدینگی بخش خصوصی در همین مدت به سه برابر افزایش یافته است (از ۲۵۷۸/۶ میلیارد ریال به ۸۰۰۰ میلیارد ریال).

کسری بودجه، جابجاسکاس بدون پشتوانه و افزایش نقدینگی بخش خصوصی به طور وگرا می بیند و با روبرو تشدید تراکم ثروت در دست عده معدود و فقر و فلاکت فزاینده زحمتکاران منجر شده است.

میزان نقدینگی بخش خصوصی از سال ۵۷ تاکنون حدود ۶۵۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. به گفته محمدی نماینده سابق مجلس این مبلغ فوق العاده کلان متعلق به ۳ درصد از مردم است. در حالیکه طی این مدت مداوم و با جهت تورم لحاظ گیکخته از قدرت خرید زحمتکاران کاسته شده است. بنا به اظهار غلامحسین نادی (نماینده مجلس شورا) از سال ۵۹ تا ۶۳ حدود ۸۳ درصد تورم داشته ایم (اطلاعات - اول شهریور ۶۳). با وجود تورم سرمایه آور، دستمزد کارگران و حقوق کارمندان طی پنج سال اخیر تقریباً ثابت مانده است. هم اکنون فلاکت و رنج جا نگاه ناشی از افزایش افسار گسیخته قیمتها، زندگی مردم میهن ما را به استیصال کشانده است.

همبریان رژیم برای تامین کسری بودجه سال ۶۴ کوشیده اند با عنوان ظاهر فریب "تکیه بر روی خودیاری مردم" از هزینه های عمومی و رفاهی کاسته و همین نوع هزینه ها را روی دوش مردم زحمتکش گذارند. تبصره های متعدد لایحه بودجه ۶۴، این امر را به خوبی نشان می دهد. بنا به تبصره ۷۷ بودجه "به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می شود به منظور تامین کلیه هزینه های مربوط به آموزشهای قبل از دبستان و بزرگسالان و قسمتی از هزینه های مربوط به متوسطه آموزشهای ابتدایی، راهنمایی و تحویل متوسطه عمومی از دانه های آموزش و تکرار کنندگان و سایر هزینه تحصیل آموزش مذکور... شهریه دریا فت و هزینه نمایند" دریا فت شهری به توجه به درآمدنا چیز زحمتکاران، فشار دیگریست که از جانب ارتجاع حاکم به زحمتکاران وارد می شود. در تبصره ۶۶ بودجه آمده است: "به دولت اجازه داده می شود که از کلیه مراجعین غیر بیمه شده به استثنای افرادی بی بضاعت به اهدافی درمانی، آموزشی و بهداشتی... طبق تعرفه های بیکه به تصویب... خواهد رسید هزینه های مربوطه را دریافت دارند". معلوم است که استثنای کردن افرادی بی بضاعت برای خالی نمودن عرفی است. اکثریت مراجعین به مراکز درمانی دولتی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکاران می باشد. مرجعین که تنها به فکر پرداختن جیب جیب کارگران می باشند می خواهند هزینه های درمانی را از درآمد نا چیز محرومان جدا کنند.

در دریا فتی بودجه سال ۶۴ بیش از ۵۵ درصد (۱۸۶۷ میلیارد ریال) بودجه از درآمد حاصل از فروش نفت تا مین می شود، ولی در واقعیت امر با بستگی بودجه به نفت بیشتر از این میزان می باشد، زیرا بخشی از درآمدهای غیر نفتی در بودجه تنها به پشتوانه تولید و فروش نفت به دست می آید. بعنوان مثال درآمد کمتری که اعتبار زهم وار دات عاید دولت می شود، تنها به اعتبار فروش نفت کسب می گردد. تشدید اقتصادک با بهای تنها به غارت این سرمایه ملی محدود نمی شود، نوسانات قیمت نفت و سفید تولید همچنانکه امسال شاهد بودیم، بنوبه خود لطمات جدی بر اقتصاد دور شکسته کشور وارد می آورد و بطور خاص بر کسری بودجه می افزاید. کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۶۲، معادل هزینه جنگی ما، به اقتصاد ایران ضربه زد" (کیهان - ۳۰ بهمن ۶۲).

در بودجه سال ۶۴ مبلغ ۱۰۶۳ میلیارد ریال از محل مالیاتهای دریا فتی منظور شده است. سران رژیم برای افزایش مالیات تلاش زیادی می کنند ولی این افزایش به اعتراف گردانندگان حکومت به حساب افزایش درآمد معاف مین می گردد. نخست وزیر در گزارش خود می گوید: "ما حیان مشاغل، فقط یک سوم حقوق بگیران که قا عادتاً درآمدشان کمتر از صاحبان مشاغل است، مالیات می دهند".

در فاصله سالهای ۶۰ تا ۶۲ میزان مالیات بر درآمد بخش خصوصی از ۱۰ درصد کل مالیات به ۶/۴۴ درصد کل مالیات فته است. این ارقام حاکی از آن است که حکام مرتجع هم مبلغ کل مالیات وهم درصد مالیات را همه ساله به حساب کاهش درآمد زحمتکاران و فلاکت بیشتر آنها افزایش می دهند.

بودجه سرمداران مرتجع، شاکل ف بین چپا و لوگران و زحمتکاران را با زهم عمیق تر خواهد کرد و به تراکم ثروت در دست تجار و سرمایه داران بزرگ و تشدید فقر و فلاکت توده های زحمتکش مردم میهن ما منجر خواهد شد.

سخنی با رفقا

اکنون با فداکاری شبانه روزی اعضا، هواداران و دستداران سازمان اخبار، گزارشها، اطلاعات و اسناد بسیار زیادی در هر ماه به نشریه کسار می رسد. علیرغم تلاشهای رژیم هر ماهه که می گذرد، بر میزان و حجم این اطلاعات افزوده می شود. موفقیت نشریه کار روخوانندگان آن در تحکیم رابطه ما با رفقا، نتایج بیوفرت جنبش انقلابی، تحکیم بیشتر موفقیت فداییان خلق در مبارزه با رژیم و گسترش ابتکار آن در این مبارزه دشوار است. این موفقیت بنوبه خود راه پیروزیهای مردم را هموار می کند. چرا که کار با دسترس به این مجموعه اطلاعات، شناخت خود را زنده تر و وظایف خود را بهتر انجام می دهد. کار با استفاده از این مجموعه، توانسته است از روندهای جاری تصویر واقعی و تحلیل درست آرایه دهد، اخبار مبارزه مردم را منعکس کند، سمکتری امپریالیسم و ارتجاع علیه میهن و مردم را افشا کند. در نتیجه بر نفوذ و نقش سازمان در میان مردم و در جنبش بیافزاید و این جنبش را تقویت کند.

علیرغم آنکه صفحات نشریه کار محدود و مجموعه اخبار و اطلاعات ما هنوز زیادند، با دیدگویی که کار به طرق مختلف این مجموعه را مورد استفاده قرار می دهد، در هر شماره بخش کمی از اخبار رسیده، که انعکاس آنها در گسترش مقاومت و مبارزه مردم و یاد افشای چهره ضد مردمی هیات حاکمه موشتر است، در نشریه درج می شوند. اما ما هانه بسودن کار، محدودیت صفحات آن، اجازه نمی دهیم که کلیه اخبار مفید بطور مستقل در هر شماره درج شوند. بخشی از اخبار در نشریه هفتگی اکثریت منتشر می شوند. البته بخشی از اخبار که به دست ما می رسند، که میهن می شنود و انتشار آن را از اخبار رنیز از نظر ما لازم است. انتشار آرایه های از اخبار رنیز از نظر ما لازم است. ممکن نیست. اینگونه اخبار، گزارشات و اطلاعات که مستقیماً انعکاس نمی یابند، در تحلیل و یادها و در تنظیم مقالات نشریه کار مورد استفاده قرار می گیرند. تعدادی از مقالات اساساً بر پایه این اطلاعات تنظیم شده و می شوند. در اینگونه مقالات اگر این اطلاعات نبودند، تنظیم مقاله دشوار است. ناممکن بود. بنا بر این آنچه کار رفقا برای نشریه می فرستند، با اشکال مختلف مورد استفاده قرار می گیرند.

البته رفقا هر اندازه که اخبار، گزارشات و اطلاعات را دقیق تر تنظیم کنند، به همان اندازه قابل استفاده تر خواهند بود. در این زمینه اعضا، هواداران و دستداران سازمان، با یاد و تکتسار جدا بودجه قرار دهند:

اولاً - اخبار، گزارشها، اسناد و اطلاعات خود را در اسرع وقت بفرستند.

ثانیاً - در خبر و گزارش، زمان، مکان، چگونگی رویداد و درجه موشق بودن آن را حتماً قید کنند و اسنادی که می فرستند توضیحات ضروری همسراه کنند.

در این صورت کلیه خبرنگاران و گزارشگران کار اخبار و گزارشات موشقی را که برای ما می فرستند و انتشار آنها ضروری و لازم است در کار اکثریت یا دیگر نشریات سازمان می یابند و نقش و تاثیر خود را در غنای کار افزایش می دهند.

با درودهای آتشین به همه رفقا و همزمان کار

تصویب قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار"

در اول بهمن ماه ۶۳، مجلس شورای اسلامی، قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار را به تصویب نهایی رساند. حدود یک سال پیش طرح این قانون با هدف دولت کردن شوراها را کارگری و تبدیل آنها به ارگانهای شورشی مدیریت، در شورودوم به تصویب مجلس رسید. این "قانون" ارتجاعی بار دیگر ظرف شوراها نگهبان به مجلس بازگردانده شد و بار آخره مجلس پس از وارد کردن اصلاحات مورد نظر شورای نگهبان، ارتجاع، در طرح مصوب سال پیش آنرا تصویب کرد.

مطابق اظهارات مخبر کمیسیون مشترک شوراها و مورد داخلی وگرا مورداستخدامی، اساس نقادان شورا نگهبان به طرح مصوب مجلس این بوده است که گویا طرح در حالت قبلی اجازه می داد که شوراها دولتی در برخی موارد در امور مدیریت معادله کنند و این معادله از نظر شورا نگهبان ارتجاع مخالف قانون اساسی بود. علاوه بر آن شورای نگهبان گفته بود مطابق ماده ۱ طرح تعداد نمایندگان کارگران در "شورای اسلامی کار" دو برابر نمایندگان مدیریت است و این نابرابری خلاف شرع است. همچنین گفته بود که کارگران عضو شورا توسط مدیریت اخراج می شوند، بنا به بدت صورتی دادگاه مربوطه، در شورا فعالیت کنند و بنا به این نسیز خلاف شرع است.

رژیم، مسئول فاجعه اعتیاد

از لحاظ سیاسی دشمنان خونخوار مردم ما ستون پنجم نفرت انگیزی از این تبهکاران و قربانیان تشکیل می دهند.

سیاست بغایت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مورد افغانستان یکی از عوامل مهم شیوع مواد مخدر است. با ندهای ضد انقلابی و قاچاقچیان حرفه ای افغان و ویا کستانی و برخی از سردمداران مرتجع منطقه بلوچستان و سیستان که مورد حمایت همه جانبه رژیم قرار دارند، با سوء استفاده از فقر و فلاکت و جهل و عقب ماندگی مهاجرین افغانی، مواد مخدر را به تمام نقاط کشور منتقل می کنند. این با ندها از اردکنندگان اصلی تریاک ۳۵۰ هزار کیلوگرمی به کشوری ما باشند.

جنگ ویرانگر و توسعه طلبانه رژیم و عوارض شوم آن از عوامل عمده و زمینه ساز زگسترش اعتیاد و فساد است. اکنون دیکر ساله فساد و زگسترش مواد مخدر در سایر نقاط درجه های ای جنگ به وفور مشاهده می شود بخصوص در میان بسیجی های جوان اعتیاد وسیعاً شیوع یافته است. بلاتکلیفی، نومیثدی و شرایط سخت جبهه ها و مهمتر از همه بی هدفی و نداشتن انگیزه روشن و پایدار، جوانان را به شدت تحت فشارهای روحی و روانی قرار می دهد در نتیجه ضعیف ترین آنها به مواد مخدر و سایر انحرافات روی می آورند.

گسترش تصادفی رشوه خواری، فساد و اختلاس در دستگاه دولت، قاعدتاً شکی با ونا منیهای شغلی و اجتماعی و ناشی بودن حدوداً اختیارات و مسئولیتها و بنا محدود بودن اختیارات و خودکامگی ما مورین، زمینه های بسیار مادی برای قاچاقچیان کردن کلفت و با صلاح مومن و مسلمان موجود می آورد که با طرق شرعی و غیر شرعی به فعالیت تنگین خود ادامه دهند.

در جمهوری اسلامی مسئولیت نسبت به سر نشوشت و آینده جوانان میهنمان معنا و مفهومی ندارد. جوانان گوشه دم توپ است و وظیفه اصلی آن این است که به جبهه جنگ برود و در صورت لزوم بسوزد. برقراری مقررات ارتجاعی در مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها که مشخصاً چیزی جز ترویج و تبلیغ چاوسی، وروسی، ظاهری و هرگز جنبه دناست و پستی نیست، بستن دانشگاهها به روی دهها هزار رجبوان، محروم کردن جوانان از هرگونه وسیله تفریحی و پرورشی سالم، مبارزه با هنرپیشرو، تا ترسین و سبک بوی محض کردن آنها، جلوگیری و "حرام" کردن موسیقی مورد علاقه توده های مردم، تبلیغ و ترویج انواع خرافات و اوها و مطالب ضد علمی

اخیراً "دایره بین المللی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل متحد گزارش سالانه خود را در مورد وضعیت مواد مخدر در جهان منتشر کرده. مطابق این گزارش جمهوری اسلامی ایران در راس تمام کشورهای دنیا از لحاظ مصرف و اشاعه مواد مخدر و اعتیاد قرار می گیرد. این بخودی خود یک فاجعه بزرگ اجتماعی و ولکه سیاه و چرک آلود دیگری بر سر دامن تنگین سران خیانت پیشه و مرتجع جمهوری اسلامی است.

مطابق گزارش سازمان ملل متحد: در ایران حدود ۱/۵ میلیون نفر به تریاک و یک صدهزار نفر به استعمال هروئین که بیشتر قربانیان آن در میان جوانان شهری دیده می شود، مبتلا شده. تنها در ایران و پاکستان معتادین میان ۵۰۰ الی ۸۰۰ هزار کیلوگرم تریاک به مصرف می رسد.

ایجاد این فاجعه شوم در کشور به حدی گسترش یافته که سران رژیم نیز مجبور به اعتراف بیسده آن شدند. شش ماه پیش (شهریور ماه) سرهنگ صمیمی رییس شهربانی رژیم اعتراف کرده بود که ۴۰۰ هزار مخدریس از تاسیس جمهوری اسلامی چندین برابر شده است. چندی پیش اندکی بعد از انتشار گزارش سازمان ملل متحد، رادیو جمهوری اسلامی طی یک برنامه چند قسمتی در مورد مواد مخدر مباحی ای بسیار رییس شهربانی ترتیب داد. در این مصاحبه وی اعتراف کرده که تاکنون ۱۷ هزار کیلوگرم مواد مخدر کشف و ضبط ۷۰ هزار قاچاقچی بازداشت شده اند. و بار دیگر اذعان کرده که میزان اشاعه اعتیاد در قریباً سبب قبل از انقلاب بیشتر شده است.

بر اساس اعمال سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی سران رژیم، متأسفانه سوداگران مرگ موفق شدند بخش بزرگی از جوانان میهنمان را قربانی منافذ پلیدو و توطئه های جناحکارانه خود سازند. همه روز در گوشه و کنار با آنها معتادین با حالت وضعیست وقت انگیز دیده می شوند. این قربانیان نیز سبب خود در گسترش و آلوده تر ساختن محیط سهیم می شوند. محیطی که آنها می توانند در آن به زندگی تکلیت با رخودا ادامه دهند. فوق العاده کثیف و بکلای ضد اخلاقی است. عده ای از آنها به عوامل کثیفه به گوش عالمین بزرگ و قاچاقچیان جناحکارانه تبدیل می شوند که به میدجوانان و حتی نوجوانان برای حمل و اختفای مواد مخدر و معتاد کردن آنها مشغول اند. بدون شک در میان این جمعیت ۵۰۰۰۰۰ نفری کسه در سرتا سر کشور پخش اند، صدها هزار رزده، فاسدان اخلاقی، مولدین فساد و تبهکاری و رواج دهندگان انواع انحرافات اخلاقی و غیره برورده می شوند.

تلاش زبوانه رژیم

فصل دوم لایحه مورد بحث به " فعالیت بخش خصوصی در کشاورزی " اختصاص یافته و در واقع تکلیف مساله زمین را یکسر کرده است. این بخش از لایحه که با و بزرگ مالکان و کلان سرما به داران را مجاز کرده است تا با استفاده از مناسبات نفوذالی و حتی ما قبل نفوذالی به احتیاج ترین صورت دهقانان را زحمتکش را استثمار کنند. در این بخش که در واقع لایحه زمین است، هیچ حرف و صحبتی از آواگسازی زمینهای بزرگ مالکان نه دهقانان بی زمین و بی زمین در میان نیست. محکام خیانت کار جمهوری اسلامی بی شرمانه چشم خود را به روی معضل حدود ۴۰ میلیون خانوار دهقانان بی زمین و بی زمین بسته اند و تنها مالکیت بزرگ مالکان ۳/۵ میلیون هکتار از بهترین اراضی دایرگزار و زری را قانونی کرده اند، بلکه ستادین زالوهارا برای غصب زمینهای موات به هم میزبان باز گذاشته و به این امر جنبه قانونی داده اند.

بندهای الف و ب ماده ۹ و ماده ۱۰ لایحه مزیورتنها مواردی است که به زمینهای دایر (بند "د" سابق) اشاره شده است. در این بندها آمده است که: " زمین خراجی زمینهای است که به صورت آباد... از غیر مسلمین در جنگی به امیران و اذن و لسی معصوم به قهر و غلبه به غنیمت گرفته شده است " و " زمین آبادی که از غیر مسلمین در جنگی که بدون اذن یا امرولی معصوم بوده به قهر و غلبه به غنیمت گرفته شده است. " اختیار اینگونه اراضی " بسا والی مسلمین است و به هیچ وجه قابل تملک نیست. " در اینجا بیچ و سخن از بزرگ مالکان و زمین خواران نیست، در اینجا سخن از " غیر مسلمی " است (نه بزرگ مالک مسلمان) که از سوی " ولی معصوم " (نه میلیونها دهقان زحمتکش و محروم امورد هجوم) قرار گرفته باشد. در اینجا مساله تجا و زبده دیگر کشورهای و اشغال زمین مردم آنجا مطرح است که صد البته بزرگ مالکان و ولی معصوم آنها را اگر می کند.

شعاع دایره ای از مواد دیگر این بخش از لایحه به زمینهای موات (بند "ج" سابق) و چگونگی مالکیت آنها، " احکام حریم " و " احکام متحجیر " و... از این

و خلاصه تلاش برای مذهبی کردن تمام شئون زندگی اجتماعی و فردی همه و همه شرایط اجتماعی وروانی مسا عدومستندی برای در غلطیدن جوانان به کام هولناک مواد مخدر و سایر انحرافات اخلاقی بوجود آورده است.

رژیم مدعی است که علیه قاچاقچیان مواد مخدر " قاطعانه " مبارزه می کند و مدعی است که با ایجاد مراکز و جوارها برای اصلاح بازسازی معنای آنها را معالجه و به زندگی مادی باز می گرداند. قاطعیت رژیم چیزی جز یک رشته اعدامهای بی حساب و کتاب نیست. آنچه به عنوان آموزش و رشد دماغی و ذهن مطرح می کنند در واقع چیزی جز جسم اقامات بر بر منشا نیست. در این زمینه اشاره ای گذرا

به یکی از این مراکز واقع در نزدیکی گنبدکاووس به انداز که عنوان گویاست: این مرکز تا مل ۲۵۰ الی ۳۰۰ معتاد است. داشتن ریش اجباری است. اجیره غذایی در هر سه وعده در روز منحصر به نان و پنیر است. به یکی سیگار ریشی دهند، کاروبیگاری اجباری است. وضع ظاهری آنها و اقامتکان دهنده است همگی با ریش بلند و کثیف و لباسهای کهنه و مندرس، رنگهای بریده و زرد... به صورت انسانی نشانی نشیبه و وحشی نگه داری می شوند. ماهی سه نفر بطور متوسط فوت می کنند. آنها بیگانه مدت بیشتری در اردوگاه به سر برده اند، در چنین محیطی دیوانه شده اند. بسیاری " بازسازی شخصیت معتادین " هفته ای یک بار سخنرانی می کنند که در آن ضمن تهدید و فحاشی (ریگیک) دایما تاکید می کنند که " استکبار شرق و غرب " شما را به این روزا نداخته اند... چنین است نمونه ای گویا از این مراکز با اصلاح سالم سازی. معتادین، بقیینا از این مراکز کسی سالم بیرون نمی آید.

خائنین به انقلاب برای توجیه مسؤلیت مستقیم خود در بوجود آوردن این فاجعه مدام از توطئه " ابرقدرتها " و " استکبار جهانی " و " شرق و غرب " سخن می گویند، آنها دریلانه می گویند که کشورهای سوسیالیستی کشورهای امپریالیستی در یک ردیف قرار داده، مردم از آفرید دهند. کشورهای سوسیالیستی ده سال است مساله اعتیاد را بطور ریشه ای و بنیادی حل کرده و اصولاً باید به اعتیاد در اوربوریستند، این امپریالیستها و رژیمهای مرتجع چون جمهوری اسلامی هستند که درست متناسب با سیاستهای ضد مردمی خود زمینه این فاجعه های اجتماعی را فراهم می سازند. این رژیم جمهوری اسلامی است که با اقدامات و سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود تبهکاری عظیمی در حق مردم ایران روا می دارد.

شده " مزارعه قراردادی است بین دو طرف یا بیشتر برای زراعت در زمینی که به موجب آن زارع متعین می شود زمینی را در برابر سهمی از حاصل آن کشت نماید... بدینجمله است در مزارعه که از شیوه ها عقاب مانده نفوذالی است بزرگ مالکان که صاحب زمین و بیدروا بزار کشت اند، دهقانان زحمتکش را به بیگاری می خوانند که در مقابل ثمرات شیروری کار آنها کسب طی یک سال زراعی همه مال و ثمرات کاشت داشت و برداشت محصول را به عهده دارند، سهم ناچیز از محصول را به آنان خواهند داد.

در بند (ب) ماده ۵۷ دربارها فعا لیت بخش خصوصی در باغیاری آمده است: " در صورتیکه نیروی کار مالک درختها نشانی توانند بر طبق قرارداد مساقات به کار رمشون شده و در حدی از محصول بسا شریک شود... همچنین در ماده ۶۱ تصریح شده است که " مساقات قراردادی است بین نیروی کار و مالک درختان مشمره به عهده ای ریشه دار ثابت که به موجب آن نیروی کار متعین می شود باغ را در برابر سهمی از حاصل آن آبیاری کند و در ملاح و پرورش آنها اقدام نماید " بدین ترتیب دهقانان محروم مجبورند به کار مداوم و تنگداری از باغ بزرگ مالکان سرمایه داران که در شهرها و حتی خارج از کشور به خوش گذرانی مشغولند بپردازند و همه حاصل و نتیجه کار را به آنها بدهند و خودشان که عامل اصلی تولیدات سهم ناچیزی دریافت دارند.

بخش دوم لایحه مورد بحث که به " فعالیت بخش خصوصی در کشاورزی " اختصاص یافته است به ترمک مالکیت اراضی در دست بزرگ مالکان قانونی بخشیده، عقب مانده ترین مناسبات نفوذالی ریشی " کرده و خواستار، مطالبات و مناسبات دهقانان برای کسب زمین از بزرگ مالکان را مانده دیده گرفت است. چنین لایحه ای، جزور کشتکی بیش از زمین اقتصاد دکان و زری کشور و فقر و محرومیت افزون دهقانان زحمتکش نتیجه دیگری به بار نخواهد آورد این لایحه از آن دست طرحهایی است که وابستگی با زار داری کشاوری به محمولات کشاورزی کشورهای امپریالیستی را شدت بیشتر خواهد بخشید.

با طرح ارتجاعی " حدود شیوه های فعالیت تولیدی بخش خصوصی " هیات خاکه مرتجع می خواهد نظام سرمایه داری را با تمام کثافات آن و در اشکال بس واپس مانده و خشن بازسازی کند.

از میان گزارشها

اعتصاب در شهر صنعتی البرز

حدود دو ماه قبل کارگران واحدها و پرسنل شهر صنعتی البرز (در قزوین) به طوریکه چاره دست به اعتصاب بردند. علت اعتصاب اعتراض به نحوه برخورد مسئولین با طبقه بندی مشاغل بود. کارگران ضمن برپایی گردهمایی مطالبات خود را طرح کرده و اجرای آنها را خواستار شدند. این اعتصاب با استقبال دیگر کارگران شهر صنعتی البرز مواجه شد. پاسداران با اینکه اقدام به شناسایی و دستگیری فعالین اعتصاب نمودند، اما نتوانستند کارگران را به شکستن اعتصاب وادار سازند. در پی وعده های استانداران زنجان پس از سه روز اعتصاب خاتمه یافت.

خبرهایی از مبارزات کارگران باختران

* در شرکت بنادر واقع در باختران حدود ۲۵۰ کارگر کار می کنند. مسئولین این شرکت دستمزد ماهیانه کارگران را همواره با تاخیر بسیاری پرداخت می کردند. در ادامه این روش خلاف قانون، اخیراً به مدت چهار ماه پیاپی از اواخر تابستان تا ماه آذر به کلی از پرداخت دستمزد کارگران سرباز زدند. مراجعات مکرر کارگران برای دریافت دستمزد های معوقه چهار ماهه به نتیجه ای نرسید. در پی آن در نیمه آذر کارگران دست از کار کشیدند و در محل دفتر شرکت اجتماع کردند. اعتصاب تا چندین روز ادامه داشت و در پایان کارگران موفق شدند مدیران و مسئولین شرکت را به پرداخت همه مطالبات معوقه وادار کنند.

* در شرکت صنعتی توزین، واقع در شهرک صنعتی باختران نیز کارگران در اعتراض به تاخیر همیشگی در پرداخت دستمزد ماهانه، دست به اعتصاب زدند. پس از دو روز اعتصاب، مدیریت تسلیم این خواسته برحق کارگران گردید و اعتصاب با پیروزی پایان یافت.

* در سال ۶۰ یکی از کارگران مبارز کارخانه کشمیر باختران را به نام علی مفرطی به "جرم" اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، از کار اخراج کرده بودند. چندی پیش - در بیست و سوم آذرماه - این کارگر اخراجی در یکی از خیابانهای باختران با چند تن از ایادی انجمن اسلامی کارخانه روبرو شد. آنها راه را بر این کارگر مبارز بسته و او را زیر مشت و لگدم زدند. او باش انجمن اسلامی با این وحشیگری در همان کنار خیابان علی مفرطی - این کارگر شریف را - به قتل رساندند. باین ترتیب جنایت دیگری در کارنامه جنایت جمهوری اسلامی ثبت شد.

دو نمونه از مبارزات زنان زحمتکش

علیه ارتجاع حاکم

* از آغاز سال تحصیلی جاری، بسیاری از مهد-کودک ها را در سراسر کشور تعطیل نمودند. این اقدام برای خانواده ها و بویژه زنان کارگر و کارمند مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. در طول ماه های گذشته در بسیاری از شهرهای کشور، علیه این تضییق تازه رژیم اعتراضات صورت گرفته است. از جمله در رشت زنان کارگر کارخانه کونی بافی در اعتراض به تعطیل مهد کودکان کارخانه چندین روز در جلوی در ورودی کارخانه تحصن کردند. این حرکت از حمایت دیگر کارگران نیز برخوردار بود. متحصنین در طی این مدت حتی برای صرف غذا، نیز محل را ترک نمی کردند. ما بحتاً آنها توسط همسرانشان به محل تحصن آورده می شد.

* محله ایستنی ها در بندرعباس از محلات فقیرنشین می باشد. مردم این محله برای تامین آب آشامیدنی به شدت در مضیقه هستند. آب این محل گاه تا چندین شبانه روز توسط سازمان آب قطع می گردد. علیرغم اعتراض مکرر مردم اخیراً آب به مدت سه روز مجدداً قطع گردید. در اعتراض به این وضعیت زنان به استنادی هر چه می کنند در مقابل بی تفاوتی مسئولین در استنادی به مدت سه روز تحصن می نمودند. تراکت زبر به همین مناسبت از سوی فعالین فدایی در بندرعباس، پخش گردید.

مردم زحمتکش بندرعباس حرکت زنان زحمتکش محله ایستنی ها و تحصن بیش از ۵۰ نفر آنها در استنادی، بعد از سه شبانه روز بی آبی، هتداری است به مسئولین که بجای طرحهای آبرسانی، متخصصین و کارشناسان آب را جهت طرحهای جنگی (طرح سلمان) به جبهه اعزام می کنند. مردم مبارز بندرعباس! برای پایان دادن به بی آبی، جنگ و ویرانی علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم.

تظاهرات گسترده ضد حکومتی مردم دورد

در دیماه در شهر دورد (واقع در استان لرستان) تظاهرات گسترده چندروزه ای علیه سردمداران حکومتی و سیاستهای آنها برپا شد. پیش خیر اقدامات شنیع و فساد انگیزی یکی از نزدیکان محمودی، امام جمعه این شهر، بر زمین تفرات عمیق مردم از اقدامات ضد مردمی حکومت و مسئولین منطقه، بویژه محمودی، باعث آغاز این حرکت اعتراضی شد.

در روز ششم دیماه مردم دورد، بطور همگانی در خیابانها براه افتادند و با شعار مرگ بر امام جمعه به راهپیمایی پرداختند. روز بعد در نماز جمعه، محمودی به تهدید مردم برخاست و اعلام داشت: مرگ بر محمودی یعنی مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی. او مردم را از عواقب این کار و شعار، برحذر داشت و بدنبال آن عسده کثیری دستگیر شدند.

با وجود این در روز بعد - هشتم دیماه - نیز تظاهرات تکرار شد. این بار مردم دورد علاوه بر شعارهای پیشین، شعارهایی برای آزادی زندانیان نیز می دادند. از آنجا که در میان باندهای حکومتی منطقه، اختلافات و درگیریهای شدیدی بروز کرده بود، برای سرکوب مردم نفرت سباه را از خرم آباد و واحدهای شهریانی را از بروجرد به دورد احضار کردند. آنها برای سرکوب کردها ساختن این تظاهرات گسترده اقدام به تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور نمودند و بازهم گروه دیگری را دستگیر و روانه زندان ساختند. این اعمال وحشیانه بر آتش خشم مردم دامن زد. روز بعد - نهم دیماه - تظاهرات همچنان ادامه می یابد. بدستور مقامات حکومتی، نفرت ارگانهای سرکوب همانند روز قبل به تظاهرات کنندگان حمله ور شدند. در این روز ۲۵۰ تن از تظاهرات کنندگان را دستگیر کردند. از آنجا که زندانیهای شهر در پی دستگیریهای روز قبل برده شده بود، سائین ورزشی سرپوشیده را به زندان تبدیل کرده و بازداشت شدگان را در آنجا زندانی نمودند.

اما مردم دورد در روز دهم دیماه نیز تظاهرات را از سر گرفتند. این بار زنان در تظاهرات نقش و سهم عمده را داشتند.

تداوم این حرکات اعتراضی مردم دورد چنان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را نگران ساخت که از طرف ریاست جمهوری، هتیتی به سرپرستی میرسیم به این شهر اعزام شد. آنها با مردم به مذاکره پرداختند و به هر ترتیبی که بسود، توانستند مردم را به پایان دادن به تظاهرات وادارند.

گزارشی از ایلیچی

در شهر کوچک ایلیچی واقع در استان آذربایجان شرقی مدتی پیش ۶۸ نفر از اهالی را به اتهام "فصیح" زمینهای یکی از فتوادلهای و زمین خواران معروف منطقه بنام اربابزاده فقیه، دستگیر کرده بودند. زمینهای مورد اختلاف، بخشی از اراضی موات حاشیه این شهر است که چند سال قبل گروهی از زحمتکشان این شهر آن را در ازاء پرداخت قیمت روز از شهرداری خریداری کرده بودند. این اراضی طبق قانون "اطلاعات ارضی رژیم پیشین از دست این فتوادل خارج شده بود. اما در سال جاری که فقهی دریافت همه چیز در حکومت جمهوری اسلامی به کام او است، یک بار دیگر دعوی سابق را از سر گرفت. مقامات قضایی نیز این دعوی را تأیید کرده و طی حکمی دستور دادند زمینهای مزبور به او تحویل داده شود. این در حالی است که زحمتکشان ایلیچی روی این زمینها خانه ساخته بودند. در پی مقاومت مشروع و برحق آنها بود که آیدستگیری وسیع صورت گرفت. اکنون که مدتی از این رویداد می گذرد، علیرغم همه اقدامات و پیگیریهای که توسط اهالی صورت گرفت، هنوز ۴ تن از دستگیرشدگان در زندان هستند.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در منطقه با وجود اینکه با اینگونه رذالتهای تفرات و انزجار مردم ایلیچی را بیش از پیش نسبت به خود بنا نگیخته اند، آنگهی را به این شهر فرستادند تا برای کمک به جبهه ارتجاع کارگران، پیاز جمع آوری کنند. ایلیچی از مراکز اصلی تولید پیاز در کشور است و قیمت پیاز در سال جاری چنان تنزل کرده که حتی یک چهارم مخارج کاشت و برداشت را هم تامین نمی کنند. بهای پیاز در منطقه در ماه آذر برای هرمن تبریز (هکتوگرام) فقط ۶ تومان بود. از این رو نتیجه زحمات یکساله کشتارزان این منطقه در انبارها در حال پوسیدن است. با وجود این مردم حاضر نشدند پیازهای در حال پوسیده شدن و بی مشتری را هم به اکیب جمع آوری کمک به جبهه تحویل دهند.

پیام کمیته مرکزی سازمان به

بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست فرانسه

رفقای گرامی! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزاری کنگره حزب برادر، حزب کمونیست فرانسه را به شما شرکت کنندگان در کنگره، همه اعضا، حزب و طبقه کارگر فرانسه صمیمانه شادباش می گوید.

نبرد دیرینه حزب شما در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم جای برجسته ای در تاریخ مبارزات طبقه کارگر و بشریت ترقیخواه دارد. کمونیستها و سایر نیروهای میهن پرست و همه مردم ایران به یاد دارند که حزب شما همواره بطور پیگیر از مبارزات پشتمانی به عمل آورده است. اینک با ردیگر استبدادی قرون وسطایی برمیپهن ما حکم می راند، مرتجعین حاکم با عسنادی سفیاهی می گویند خرد، منطق و احساس پاک انسانی را با ترهات ارتجاعی و قتری خود به بند کشند و هر ندای مخالف را وحشیانه سرکوب کنند. جنگ میان ایران و عراق را که تا کنون مدتها هزار کشته و معلول بیار آورده است لجوجانسه ادامه می دهند و به این ترتیب زندگی مردم میهن ما را روز دوشوار و دشوارتر می کنند. نیز در جهت خواست دشمنان صلح جهانی، منطقه ما را متشنج می سازند.

در ایران نه تنها تمام سازمانهای انقلابی و مترقی و بویژه کمونیستها را به رذیلانه ترین شکل ممکن سرکوب کرده و می کشند، بلکه هر حرکت اعتراضی و بخصوص مبارزات عادلانه طبقه کارگر به شدت مورد یورش ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی قرار می گیرد.

انقلابیون میهن ما که اینک در شرایطی چنین دشوار به نبرد علیه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ادامه می دهند، ایمان دارند روز روشن فردا چندان دور نخواهد بود. مردم ایران در این لحظات سخت مبارزه در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای یاری احزاب کمونیستی و کارگری و سایر نیروهای دمکراتیک آرزوی بسیاری قائل هستند.

رفقا! بیگمان تصمیمات متخذه در این کنگره تاثیر مهمی در مبارزه طبقه کارگر و مردم فرانسه در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم و همبستگی انترناسیونالیستی بر جای خواهد نهاد.

ما صمیمانه برای کنگره و حزب شما آرزوی پیروزی می کنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام تبریک به رفیق زورمارشه

رفیق گرامی! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گزینش مجدد شما را به سمت دبیرکل حزب کمونیست فرانسه شادباش می گوید. برای شما در انجام وظایف بزرگی که بر عهده دارید آرزوی پیروزی می کنیم. بیگمان در آینده حزب کمونیست فرانسه تحت رهبری شما به پیروزیهای بازم بزرگتری دست خواهد یافت. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام بمناسبت سالگرد تاسیس

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

رفقای عزیز، بهترین شاد باشهای ما را بمناسبت سالگرد تاسیس جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین بپذیرید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره بطور پیگیر از مبارزات خلق فلسطین پشتیبانی به عمل آورده است. رزم استوار شما علیه امپریالیسم، میهنیسم و ارتجاع منطقه رزم مشترک ماست. با اغتنام فرصت یک بار دیگر همبستگی خود را با شما در مبارزه دلیرانه ای میهنی که پیش می برد ایران می داریم. ما با علاقتندی مساعی ستایش انگیز شما را در راستای تحکیم وحدتی رزمجویانه در صفوف جنبش مقاومت مردم فلسطین پیگیری کرده و برای آن آرزوی پیروزی می کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کوششهای جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و همه نیروهای دمکرات و میهن پرست فلسطین در جهت طرد اشغالگران از سرزمینهای اشغال شده درود می فرستد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آغاز هفتمین سال انتشار کار

با انتشار کار شماره ۱۳، یک سال از آغاز انتشار دوره دوم کار و سال از انتشار اولین شماره آن می گذرد. در ۱۹ اسفند ۵۷ دوره اول کار با انتشار کار شماره ۱ آغاز شد. این دوره تا اسفند ۶۰ ادامه یافت. در این زمان بنا بر حکم غیرقانونی «ادستان» انقلاب مرکز «انتشار کار متوقف شد». علت توقف، اعتراض به اقدامات سیاست ویرانه رژیم در زمان اوین اعلام گردید، این فقط بخشی از حقیقت بود، تمام آن، کار فقط جنايات رژيم در زمانها و سياست سرکوب آن را افشاء نمی کرد، بلکه هر مورد از مواضع و اقدامات سیاست ویرانه رژیم را که علیه منافع مردم بود، پیرو افشاء می کرد، مبارزه مردم زحمتکش را سازمان می داد. افشای امپریالیسم و عوامل آن نظیر قطب زاده ها و بزدي ها، افشای نقش ارتجاعی سرمایه دمدارها و مراجع مرتجع و امثال لاجوردی، عسکری و لادویزی برای سران رژیم و عوامل امپریالیسم قابل تحمل نبود. دلایل واقعی توقف نشریه کار، کارنا مسه درخشان سه ساله آن در افشای نیروهای مرتجع و دفاع قاطع از منافع زحمتکشان بود.

با توقیف کار، بولتن سیاسی سازمان بخشی از وظایف آن را در تحلیل رویدادهای ایران و جهان بعهده گرفت و بیوزنه از اسفند ۶۱ تا اسفند ۶۲ در سطح گسترده در داخل کشور توزیع می شد. بولتن منبج آگاهي فعالين جنبش بود. بیوزنه در شرایط تبلیغات شدید ضد شوروی و ضد توده های هیات حاکمه پس از حمله به حزب توده ایران، بولتن اردیبهشت، تیروبان ماه ۶۲ نقش برجسته ای در افشای اهداف ضد مردمی این تبلیغات ایفا کردند.

در اسفند ۶۲ اولین شماره دوره دوم کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت. در مسقاله آن گفته شد: «امیدواریم نشریه کار، این پرچم مبارزه انقلابی زحمتکشان ایران، در سال نوهه سالهای مبارزه انقلابی مردم بتواند همچنان سلاح نیرومند طبقه کارگر سازمانگر مبارزه انقلابی و زبان کویسا و حق طلب توده های وسیع خلق ما باشد.»

اکنون یک سال از آن زمان می گذرد. کارنا مسه فعالیت یک ساله نشان می دهد که نشریه در این راستا وظایف خود را انجام داده است.

افشای کار برایش از همه کمک کرده است تا عناصر پشور و آگاه در ایران بنده حقیقتا در کشور چه روی می دهد، کار علاوه بر افشای گری کوشید و وظایف بی را که جنبش در برابر نیروهای پشور و توده مردم قرار داده است، در هر مورد مشخص سازد و توضیح دهد. تحلیل و تفسیر رویدادها و روند عمومی آنان کا ملایجا و ضروری است، اما کا فی نیست. مساله مهم آن است که مردم بدانند کدام وظایف مشخص و کدام عمل معین را، از چه طریق باید انجام دهند. کار در موازات مختلف و در منا سبت های گوناگون به این وظایف متکی خود عمل کرده است.

همچنین کار از اخبار و وقایع مبارزه مردم علیه رژیم را منعکس کرد. انعکاس گسترده این اخبار که بوسیله اعفاء و هواداران سازمان و دیگر خوانندگان نشریه گزارش می شود، تلاش رژیم را در مخفی نگه داشتن مبارزه مردم با شکستهای بیشتروبرتری می آید. انجام این وظایف با توجه به پیش گسترده کار امکان داده است تا مردم کار به گوش مردم برسند و نقش فداییان خلق در جنبش توده های افزایش یابد.

سال گذشته هزاران فدایی خلق در سراسر ایران تلاش کردند ارگان کمیته مرکزی سازمان خود را به مردم برسانند و کار را در کارخانه ها و ادارات و مسدا و روستا ها به دست دهها هزار زحمتکش میهن ما برسانند. کار کمک کرد تا وحدت سیاسی و ایدئولوژیک در سازمان بیش از پیش محکم شود و تشکیلات در شرایط استبدادی کنونی چون توحید واحدی عمل کند، کار مبارزه آن گروه از هواداران را که هنوز توسط سازمان متشکل نشده اند، نیز کسان را که در راه مبارزه علیه رژیم گام نهاده اند و در راهی این مبارزه رزوا جستجو می کنند، سمت می دهد و هدایت می کند. در این مورد کار می تواند دوباره نقش بسیار بزرگتر از آنچه که اکنون انجام می دهد، بعهده گیرد. نشریه کار باید دهها هزار مبارز را که می خواهند علیه رژیم مبارزه کنند، اما هنوز آن آمادگی و توانایی را که متکسر نگردند، آیم تا سازمان را سازمان دهیم، حول خود متشکل و متحد کنند و مبارزه آن را سازمان دهد.

اکنون گسترش نقش وسیع کار در سازمان ندهی و ارتقاء مبارزات کارگران، زحمتکشان و همه مردم ایران به این امر بسیار مهم و حیاتی مشروط شده است که نشریه تا چه میزان به دست مردم برسد و تا چه اندازه توده مردم آن را بچوبند، بدون شک در شرایط استبدادی کنونی، موفقیت ما در این عرصه مبارزه بزرگ بوده است. اما هنوز بیچوجه کافی نیست. جنبش انقلابی بسیار بیشتر از آنچه که ما توزیع می کنیم می طلبد، برای تقویت مبارزه انقلابی با یسند افزایش تشکیروپخش کار در صدر وظایف اعفاء و هواداران سازمان قرار گیرد.

رفقا دوستان گرامی!

مطابق رسم همه ساله فداییان خلق از جشن نوروز تا جشن اول ماه مه را به جمع آوری کمکهای مالی اختصاص می دهند. سالهای گذشته در این روزها فداییان خلقی که کمک مالی در شهرها و روستاها میهنمان پخش می کردند و با یکدیگر تا تازه تر و تازه تر برای گسترش فعالیت انقلابی سازمان فرا هم می ساختند. حتی سال گذشته نیز در اوج تلاشهای مدیحه نامه رژیم علیه سازمان، تمبر مخصوص جمع آوری کمک مالی وسیعاً توزیع شد. کمکهای بی که سال گذشته جمع آوری شد، امکانات تبلیغی، تا مینی و ارتباطی سازمان را گسترش داد و به تداوم و تقویت رزم انقلابی آن وسیعاً کمک کرد. تلاش فداکارانه اعفاء و هواداران سازمان در فروش تمبر مخصوص کمک مالی در سال گذشته با تقدیر و تحسین کمیته مرکزی سازمان مسابا سخ گفته شد.

امسال نیز کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) همه اعفاء و هواداران سازمان

فراخوان برای کمک مالی

فرا می خوانند که از نوروز تا اول ماه مه با یکبار گرفتن شام یا بستکارات برای جمع آوری کمکهای مالی برخیزند و سازمان خویش را در مبارزه علیه سران مرتجع جمهوری اسلامی تا می توانستید مبارزه دهند. انجام پیروزمندان این وظیفه انقلابی، بیوزنه امسال که چشم انداز وسیع گسترش فعالیت انقلابی سازمان پیش روی ما است از اهمیت فوق العاده برخوردار است. توجه داشته باشید که هر چه میزان کمکهای شما جمع آوری می کنید مهم است، اما مهمتر آن تعداد کسانی است که شما را از آن کمک می گیرید، با یکبار گرفتن شام یا بستکارات خود بگویند توده وسیع تری و در این مبارزه انقلابی سهیم سازید.

کمیته مرکزی

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

اسفند ۱۳۴۳

آدمی با سرفراشته باید بزید

در ایران ماه هر روز و هر ماه یاد و خاطره شهیدانی است که در راه آرمانهای مردم و برای آزادی و آبادی میهن زمین در دوجان خویش را فدا کردند. در تاریخ سازمان ما از این نظر اسفندماه بسیار برجسته است. در دوران رژیم شاه، چهار بار رهبری سازمان ما در حمله کارگرفت و شام یا بستکسرفرازی رهبری شهیدان که دو سال در اسفند بوده است.

نخستین بار در روز ۲۶ اسفندماه سال ۱۳۴۹ سیزده تن از بنیانگذاران و کارکنان برجسته سازمان ما که حماسه ای در تاریخ آفریده بودند، پس از تحمیل شکنجه های شدیدنا جوا شمرده نه به جوخه اعدام سپرده شدند. رفیق علی اکبر مفايي فراها تي رهبر گروه و فرمانده عملیات سیا هکل همراه با همرزمان با کبا ختاش، دروا پسین دم اسفند به پیشوا زتوروز و روزوز رفتند و با شهیدان فداکارانه خود میثاقشان را با رنجبران ایران جاودان ساختند.

یک سال پس از آن، دریا زدهم اسفند ۱۳۵۰ ده تن دیگر از بنیانگذاران، رهبران و کارکنان برجسته سازمان ما به جوخه اعدام سپرده شدند. رفیق مسعود احمدزاده و همرزمان سنت فداییان را پی گرفتند و پی افکندند، همانگونه که در میدان رزم، میدان شیراز و سایر اردوهای رزمجویانه خویش به لوزه آوردند.

رنج و رزم حماسی رفقای ما علیه رژیم بود که از ایمان عمیق آنان به راه آرمان مردم، از آزادهای پاکشان برای آزادی کارگران و رنجبران و از عشق شورانگیزشان به سوسیالیسم برمی شد. مشعل فروزان این آرمانها و رزوها دست به دست پیش آمد، گام به گام فروزانتر شد و فرا رویید. سازمانی که آنهایی افکندند، امروز پرچمدار و رهبر کارگران و رنجبران است و در پی جنبش نقش و جایی بیبدیل دارد. آنها پیرو شدند.

شهیدای ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ حماسه آفرینان سیا هکل

علی اکبر مفايي فراها ني - جليل انفرادي
عباس دانش بيزادي - احمد قهرودي - شعاع
الدين مشيدی - محمد علی محدث قندچی - هوشنگ
نیروی - اسما عیيل معینی عراقی - هادی بندهدخل
لنگرودی - غفور حسن پرواویل - ناسر سرفید
مفايي - اسکندر رحیمی مسچی - هادی فاضلی

شهیدای ۱۱ اسفند ۱۳۵۰

مسعود احمدزاده هروی - عباس مفتاحی
بهمن آژنگ - حمید توکلی - غلامرضا گوی اسداله
مفتاحی - مهدی سوالونی - سعید آری - کریم
حاجیان سه پله - مجید احمدزاده هروی

شهیدای ۲۲ اسفند ۱۳۵۰

مناف فلکی تبریزی - علیرضا نابدل - علی
اصغر عرب هریسی - یحیی امین نیا - اکبر مویس
علی نقی آرش - حسن سرکاری - محمدعلی
تقی زاده - جعفر اردبیلچی

حمید مومنی (بیدسخی) ۱۵ اسفند ۵۴ - صبا
بیژن زاده ۹ اسفند ۵۵ - بهمن امیری دوان
۹ اسفند ۵۵ - فرید فرجاد اسفند ۵۴ - مجتبی
خرم آبادی - اسما عیيل علی پناه - محمد ربیعی
- احمد فرنگ - علی مرادی

نوروز را جشن میگیریم

نوروز در راه است. نوروزی که مردم از زیر بار آزادی و آسایش داشتند و در سبب بهترین روزها به پیشواژن شتابانند و غمها و اندوهها را بزدا یند، سیا هیسوا و شتابانند و در زندگی دور کنند و با نوبد برپا بیزندگی نو سعادت بار بشارت و با یکویی برخیزند. کودکان به نوروزی اندیشند، به لبهای رنگین و شاد و دوشه آغوشهای سرشار از مهر و لیدین و خوشبو و نان جوانان به نوروزی اندیشند و قلبشان از آرزیدار یاران و دوستان و از مهر و عشق سرشار می شود. سالخوردهگان به نوروزی اندیشند، نسیم کسرم جوانی را بر سرمای خود احساس می کنند و توانسی تازه می گیرند.

در آستانه نوروز بسیاری از خانواده های میهن ما در ماتم عزیزان نشان هستند. در ماتم عزیزانسی که تیرباران شدند، زیر شکنجه شهید شدند، در چپه ها به شهادت رسیدند، بر بوده و سر به نیست شدند یا هم اکنون در کج زندان و زیر شکنجه اند. این رژیم بر قلب مهربان صدها هزار زن و مرد و ما دور فرزند خنجر نفرت فروشانند، نوروز را میعادبا این عزیزان است. روزی که آنها اندوه عزیزان از دست رفته و اسیر شده شان را در پناه مهر و همبستگی دوستان و آشنایان می کا هند.

نوروز سلام گرمی است که در سراسر کشور طنین می افکند. بوسه پر مهر مردم بر گونه های یکدیگر است. دستهای گرمی است که به گرمی فشرده می شود. مردم علیه رجم خواست حکومت و با وجود سرنیسه با سداران، همه ساله در روز چهارشنبه سوری آتش می کنند، عید را برگزار می نمایند به دیدن و باز دیدن میروند و روز سیزده می گوشه به شکلی سنت زیبای سیزده بدر را اجرا کنند. مردم با سداران فرهنگ و سنتهای ملی خود به سبب فرهنگ بی روح و ارتجاعی حاکم بر می خیزند.

امسال هم مردم میهن ما جشن نوروز را به کسوری چشم ترجیعین حاکم برگزار می کنند. بگوئیم تا این جشن هر چه با شکوه تر برگزار شود.

در جشن شرکت کنیم. در دیدن با زیدها یا دوستان و آشنایان به محبت بشینیم. در دهه های مردم را با زگو کنیم. ارتجاع را افشا کنیم. به مردم بگوئیم که در سال گذشته مبارزه تا چه حد در شکر دوارتجاع تا چه حد در بجران فرو رفت. به آنها بگوئیم که سرنوشت کشور تا چه حد به مبارزه آنها وابسته است. مردم را برای گسترش پیکار علیه ارتجاع دعوت کنیم.

فداییان خلق در دیدن با زیدها مردم را از بر نامه و سیاست سازمان و از دستاوردهای آن آگاه سازند. آنها را دعوت کنند که برای تقویت و گسترش جنبش به صفوف سازمان بپیوندند و از آن حمایت کنند. کمک های مالی را جمع کنند و اهمیت ضرورت آنرا برای فعالیت انقلابی سازمان توضیح دهند. فداییان خلق پیام اتحاد سازمان خود را همه جا برسانند.

نوروز را جشن بگیریم و هر خانه ای را با امید و آسوخ به پیروزی مردم آذین ببندیم.

آدرس: Pf. 10 1091 WIEN AUSTRIA
اتریش
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

پیش بسوی جبهه متحد خلق